



تبیین مدل مفهومی براساس روش گراند تئوری متأثر از زیبایی‌شناسی محیطی در روح مکان، و اولویت‌بندی و وزن‌دهی زیرشاخص‌های آن در آثار فرهنگی معماری معاصر ایران**

رضوانه منصوری^۱، فرح حبیب^{۲*}، آزاده شاهچراغی^۳

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی معماری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. rezvanehmansouri@yahoo.com

^{۲*} (نویسنده مسئول) استاد، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. f.habib@srbiau.ac.ir

^۳ دانشیار، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. shahcheraghi@srbiau.ac.ir

چکیده

امروزه در معماری معاصر ایران، مؤلفه‌های بی‌شماری در راستای زیبایی‌سازی مطرح است. با این حال، بررسی دقیق و مستند این مؤلفه‌ها می‌تواند زمینه را برای بررسی و ارائه دقیق یک الگوی کارآمد فراهم سازد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، کمی-کیفی و در بخش کیفی از نوع نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است که در ارتباط با کدگذاری محوری از روش استراوس و کوربین استفاده کرده است. جامعه در بخش کیفی شامل معماران مطرح معاصر ایران است که از میان آن‌ها تعدادی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. در بخش کیفی از نظرات و بیانات ۱۱ نفر از معماران معاصر استفاده شد. همچنین جهت بررسی پایایی در بخش گراند تئوری و کدگذاری، از یادداشت‌های دامنه، نکته‌های تئوری و استفاده از رویه‌های ویژه کدگذاری استفاده شد. جامعه آماری در بخش کمی، شامل معماران و نیز اساتید دانشگاهی است که به موضوع تحقیق آگاهی دارند و تعداد آن‌ها با توجه به گستردگی در سطح کشور نامشخص است. با استفاده از فرمول کوکران و حجم جامعه نامشخص، تعداد ۳۸۴ نفر به‌عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شدند. روش نمونه‌گیری نیز در دسترس است. جهت بررسی پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان آن ۰/۷۸۵. به‌دست آمد و جهت بررسی روایی از روایی صوری استفاده شد و تأیید شد. جهت تحلیل داده‌های کیفی نیز در این پژوهش از گراند تئوری استفاده شد. در نهایت مدل مفهومی با شش بُعد شرایط علی، پدیده محوری، عوامل زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و استراتژی‌ها و پیامدها تدوین شد. همچنین از خروجی حاصل از مرحله کدگذاری انتخابی یک پرسشنامه ۸۵ سؤالی تشکیل شد که در اختیار ۳۸۴ نفر از نمونه آماری جامعه دانشگاهی و معماران قرار گرفت. نظرات آنان از طریق آزمون فریدمن و نرم‌افزار SPSS رتبه‌بندی شد. اولویت‌بندی نهایی از زیرشاخص‌ها ارائه شد تا در کنار مدلی مفهومی پژوهش جهت پاسخگویی به نیازها راهگشا واقع گردد.

اهداف پژوهش:

۱. آشنایی با نظرات معماران معاصر در باره زیبایی‌شناسی محیطی و روح مکان در معماری معاصر ایران.

۲. تبیین مدل مفهومی متأثر از زیبایی‌شناسی محیطی در روح مکان آثار فرهنگی معماری معاصر ایران.

سؤالات پژوهش:

۱. از دیدگاه معماران معاصر ایران زیبایی‌شناسی محیطی و روح مکان چه تأثیری در معماری معاصر ایران دارد؟

۲. مدل مفهومی متأثر از زیبایی‌شناسی محیطی در روح مکان آثار فرهنگی معماری معاصر ایران چیست؟

** این مقاله برگرفته از رساله دکتری تخصصی معماری رضوانه منصوری با عنوان «تبیین مدل مفهومی متأثر از زیبایی‌شناسی محیطی در روح مکان آثار فرهنگی معماری معاصر ایران» است که به راهنمایی خانم دکتر فرح حبیب و مشاوره خانم دکتر آزاده شاهچراغی در گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران به انجام رسیده است.

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۶

دوره ۱۹

صفحه ۵۱۷ الی ۵۴۰

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۲/۰۹

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

مدل مفهومی،

گراند تئوری،

زیبایی‌شناسی محیطی،

روح مکان،

آثار فرهنگی،

معماری معاصر ایران.

ارجاع به این مقاله

منصوری، رضوانه، حبیب، فرح، شاهچراغی،

آزاده. (۱۴۰۱). تبیین مدل مفهومی براساس

روش گراند تئوری متأثر از زیبایی‌شناسی

محیطی در روح مکان، و اولویت بندی و وزن

دهی زیرشاخص های آن در آثار فرهنگی

معماری معاصر ایران. مطالعات هنر اسلامی،

۱۹(۴۶)، ۵۱۷-۵۴۰.



[dor.net/dor/20.1001.1
1730708,1401,19,46,29,5](https://doi.org/10.22034/IAS.2022.357414.2022)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2022.357414.2022](https://doi.org/10.22034/IAS.2022.357414.2022)

مقدمه

زیبایی پدیده یا رویدادی است که از تلاقی و توافق داده‌های حسی کالبدی و محیطی از یک‌سو و مفاهیم فرهنگی و توانایی ذهنی و آگاهی ناظر از سوی دیگر شکل می‌گیرد. زیبایی‌شناسی یک تجربه عینی - ذهنی است که در ادراک انسان شکل می‌گیرد، و زیبایی‌شناسی محیطی تجربه درک و احساس محیط با تمام حواس براساس ارزش‌های ذاتی جنبه شناختی است. درک محیط، تنها درک بصری نیست؛ بلکه دخالت فعالانه تمامی وجوه حسی را توأم با حس‌آمیزی در نظر داریم که مخاطب را با تمامی آگاهی و هشیاری‌اش در این تجربه درگیر می‌کند. به‌علاوه یک جنبه ارزش‌گذاری نیز هست که دامنه درک مخاطب را پوشش می‌دهد و همین نکته است که زیر بنای داوری‌های ارزشی مثبت یا منفی ما را نسبت به محیطمان تشکیل می‌دهد (شاهچراغی و بندر آباد ۱۳۹۶، ۲۲۵). پس زیبایی‌شناسی محیطی کاملاً ارتباط دوسویه بین انسان و محیط را شرح می‌دهد، به‌گونه‌ای که انسان پس از قرارگیری در فضا با به‌کارگیری حواس خود و آنچه به عینیت می‌بیند؛ تمامی جنبه‌های محیط را به‌صورت داده وارد ذهن خود می‌کند و روی آن پردازش انجام می‌دهد، و به ادراک و شناخت از آن دست می‌یابد. سپس شناخت حاصل‌شده از ادراک محیط می‌تواند برداشت‌های انسان را از محیط شکل دهد. به‌گونه‌ای که هرکدام را ارزش‌گذاری کند و بعد به‌صورت متقابل خود انسان نیز در محیط دخالت فعالانه داشته باشد و آنچه در نظر خود حامل ارزش‌های زیبایی‌شناسی محیط است را خلق کند. جنبه دیگری که در این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد.

روح مکان به‌عنوان متعالی‌ترین مرتبه شکل‌گیری سطوح شکل‌گیری حس مکان است، (شاهچراغی و بندر آباد، ۱۳۹۶، ۲۷۶) که انسان با حضور در مکان تحت تأثیر روح محافظ آن قرار می‌گیرد. این مسئله ارتباط تنگاتنگ و حتی گاه این‌همانی بین روح مکان و زیبایی‌شناسی محیطی را نشان می‌دهد. پس پرداختن این دو جنبه در کنار هم و ایجاد ارتباط بین آن‌ها در معماری رابطه بین انسان و محیط را به‌خوبی تکوین می‌کند. "هویت فرهنگی معماری را همان ارزش‌هایی رقم می‌زند که تنها در بستر ابنیه سنتی ادراک می‌شود؛ چراکه معماری به آن دلیل شکل می‌گیرد تا ارزش‌ها را در خویش بیرواند و صورتی کالبدی بر آن‌ها متصور شود." (حبیب و همکاران، ۱۳۸۷). تصور روح مکان به‌عنوان پذیرش یک "هویت" برای مکان است. ارزش و اهمیت هویت و آنچه در فرهنگ مستتر است در فضاهای فرهنگی و جمعی، و مکان‌هایی که مجالی برای ایجاد تعاملات اجتماعی را برای مخاطبان میسر می‌سازد، متجلی می‌گردد. "معماری به‌عنوان یکی از عناصر سازنده و حافظ هویت فرد در سطح جامعه به‌حساب می‌آید که نقشی اساسی در برقراری روابط اجتماعی و آرامش روانی فرد برعهده خواهد داشت (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۰). ذکر این نکته ضروری است که با وجود اهمیت انکارناشدنی عناصر نمادین و کالبدی، وجود این عناصر بدون فعالیت، سطوح بالاتر حس مکان که منجر به حفظ حیات یک مکان می‌شود را پاسخ نخواهد داد. از طرف دیگر، حذف کلی این عناصر هویت‌ساز نیز، احساس تعلق و دلبستگی را تأمین نخواهد کرد (شاهرودی کلور و همکاران، ۱۳۹۹).

امروزه در معماری معاصر از تجلی هویت ایرانی و ارزش‌هایی که در معماری سنتی به منصفه ظهور می‌رسیدند فاصله گرفته‌ایم و معماری که در گذشته حامل روح مکان بود، امروز در مواردی حتی "آگاهی از مکان" در آن دشوار تلقی می‌شود، و همچنین آنچه در آثار معماری معاصر ارزشمند شمرده می‌شد در روند رواج‌یافتن معماری معاصر و همچنین تولید و ساخت در عین سرعت زیاد مفقود گشته است. هر پدیده‌ای دارای دو جنبه ادراکی و ساختاری است، جنبه ساختاری ساده، هویدا و فارغ از تعلقات فرهنگی و اجتماعی قابل‌شناسایی است؛ درحالی‌که جنبه ادراکی نه‌تنها پیچیده و غیرآشکار، بلکه تنیده‌شده در مناسبات فرهنگی و متأثر از عوامل متعدد اجتماعی و فردی است. به‌نظر می‌رسد تبیین مدل مفهومی معماری مستدل برای زیبایی‌شناسی محیطی که منطبق بر ارزش‌های روح مکان باشد، برای معماری معاصر ایران آن هم در فضاهای فرهنگی که عمده نگرش‌ها و ادراکات محیطی به علت حجم بالای تعاملات اجتماعی در این فضاها شکل می‌گیرد، امروزه

مورد نیاز واقع شده است. چراکه امروز نوعی بی‌سامانی و بی‌هویتی در فرآیند شکل‌گیری این فضاها به چشم می‌خورد به گونه‌ای که معماران هرکدام مسیر جداگانه‌ای را اتخاذ نموده و گاهاً بدون در نظر گرفتن پشتوانه‌های فرهنگی و جغرافیایی، و حتی نیازهای اجتماعی فضاهای جمعی و فرهنگی را خلق می‌کنند بدون آنکه هویت و سرمنشأ آن را در نظر بگیرند، و بدین گونه متأسفانه شاهد رواج سبک‌هایی دور از فرهنگ ایرانی هستیم که علاوه بر در نظر نگرفتن زیبایی‌شناسی محیطی و ارتباط تمامی حواس انسان با محیط، فضای شکل‌گرفته دارای روح محافظ نیست که بر چیستی آن دلالت کند، و تعلق خاطر در مخاطب به وجود نمی‌آورد.

با توجه به مسائل مطرح‌شده آنچه در این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد، تبیین مدل مفهومی متأثر از زیبایی‌شناسی محیطی در روح مکان آثار فرهنگی معماری معاصر ایران است؛ که به صورت روش داده‌بنیاد به واسطه کدگذاری آراء و نظرات معماران، اندیشمندان و صاحب‌نظران موضوع صورت گرفته است. مؤلفه‌ها با افق دید زیبایی‌شناسی محیطی در سلسله‌مراتب دستیابی به روح مکان تدوین گشته است. همچنین برای افزایش دقت در تدوین این مدل مفهومی، از یک روش کمی نیز بهره گرفته شده است که به صورت تحلیل آماری، حاصل وزن‌دهی و اولویت‌بندی ریز شاخص‌های مستخرج از پژوهش را ارائه می‌دهد؛ تا در جهت ساماندهی و یکپارچه نمودن مسیر معماران در آثار فرهنگی معماری معاصر ایران، پاسخی مؤثر بر مسائل آن باشد و بتواند به‌عنوان رهیافت و راهبردی مناسب در این مسیر مؤثر واقع گردد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد تحقیقاتی در خصوص زیبایی‌شناسی و حس مکان در معماری معاصر ایران انجام شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. صادقی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "تبیین مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی حکمت متعالیه و بررسی میزان تجلی آن در کالبد بازارهای ایرانی؛ مطالعه موردی: بازار همدان" به بررسی مؤلفه‌ها پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش نشانگر این مهم هستند که مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی جامع در بازارهای ایرانی در قالب دو گونه کلی مؤلفه‌های ذهنی روان‌شناختی و فرمی کالبدی قابل تقسیم‌بندی هستند. نظیفی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "بررسی تطبیقی طراحی محیطی میدان نقش جهان از دوره صفوی تا معاصر با رویکرد زیبایی‌شناسی نوین از منظر نقد روان‌شناختی" مطرح می‌شود با مدرن شدن شهر ایرانی، به‌خصوص در دوران معاصر اصول زیبایی‌شناسی هنر ایرانی از طراحی محیطی ایران رخت بر بست. خدادادی و شریف‌زاده (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "بررسی کیچ از منظر زیبایی‌شناسی و تأثیر این پدیده بر حس تعلق به مکان با معرفی نمونه موردی در معماری معاصر ایران (هتل بزرگ داریوش)" معتقدند که گاهی از پدیده کیچ را با سلیقه بد و فرهنگ توده مرتبط دانسته و گاه آن را در ارتباط با فرهنگ توده در جهت دستیابی به هویت از دست‌رفته آدمی در دنیای کنونی دشوار می‌دانند.

پاکزاد و ساکی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "تجربه زیبایی‌شناختی محیط" مطرح می‌کنند که با نظر به شکل‌گیری خوانش‌های جدیدتر از تجربه زیبایی‌شناختی، فقدان مطالعات در این حوزه و به‌خصوص در متون شهرسازی و طراحی شهری در ایران و اهمیت پرداختن به این مهم به لحاظ تأثیری که بر سلامت انسان و کارایی زیباشناختی وی دارد. عباسیان همدانی و دانشگر مقدم (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "بررسی حس مکان در مساجد معاصر با طرح سنتی و نو" با بررسی دو مسجد معاصر سنتی و نوآور، به نقش طرح کالبدی در حس مکان بر اساس روان‌شناسی محیطی معتقدند که ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌وبیش از محیط آگاهانه صورت می‌گیرد که شخص را با ارتباط درونی با محیط قرار می‌دهد.

۱. زیبایی شناسی

زیبایی شناسی محیط با زیبایی شناسی هنرهای انتزاعی تفاوت دارد. هرچند که ممکن است ارتباطی هم بین آن‌ها یافت شود. در واقع زیبایی شناسی محیط، تجربه ادراکی محیط با استفاده از همه حواس است (شاهچراغی و بندر آباد، ۱۳۹۶). درک محیط به مثابه نظامی فراگیر از ادراکات (انسانی) شامل عواملی از این دست است: فضا، جرم، حجم، زمان، جابه جایی، رنگ، نور، بو، صدا، لمس، حرکت، الگو، نظم و معنا. در ایجاد مراد ما از درک محیط، تنها درک بصری نیست بلکه دخالت فعالانه تمامی وجوه حسی را توأم با حس آمیزی در نظر داریم، که مخاطب را با تمامی آگاهی و هوشیاری اش در این تجربه درگیر می کند. به علاوه یک جنبه ارزش گذاری نیز هست که دامنه درک مخاطب را پوشش می دهد و همین نکته است که زیربنای داورهای ارزشی مثبت یا منفی ما را نسبت به محیطمان تشکیل می دهد. بنابراین، زیبایی شناسی محیطی عبارت است از بررسی تجربه درک محیط بر اساس ارزش ذاتی و مستقیم جنبه شناختی ادراکی (برلینت، ۱۹۹۸).

کوه معتقد است که هر نظریه زیبایی شناختی باید به لحاظ کسب اطمینان از کارایی آن در طراحی به کاررفته و آزمایش شود، تا جایی که مباحث زیبایی شناسی در کانون طراحی محیطی قرار دارند، آثار طراحی را می توان به لحاظ تجربی ارزیابی کرد (Koh, ۱۹۹۸, ۱۷۷ - ۱۹۱). زیبایی شناسی محیطی درصدد فراهم کردن چارچوبی است که براساس آن بتوان ارزش های کیفی و کمی محیط زیست طبیعی و مصنوع را مورد نقد، بررسی و سنجش و آزمون قرار داد. درک و تحسین زیبایی محیط زیست توسط انسان ها می تواند پایه و اساس مشترکی برای نجات انسان ها و سایر مخلوقات در محیط باشد. برلینت، معتقد است یک نظریه کل نگر، باید به واسطه انواع تجارب زیبایی شناختی در زندگی روزمره، نگرشی تحلیلی از آنچه که در تجربه زیبایی شناختی روی می دهد، ارائه کند. او در ادامه می گوید، یکپارچگی تجربه زیبایی شناسی در واقع «رشته زیبایی شناسی» است که دارای روابط عملی و پیاپی در میان چهار جزء سازنده اش است: هنرمندان، ناظران، اهداف زیبایی شناسی و منتقدان (Berleant, ۱۹۹۷). از دیدگاه برلینت، حالت دیگر تجربه زیبایی شناختی، فهم آن است. به عنوان یک تحقیق تجربی، روان شناسی فهم زیبایی «یک مرحله عقب تر از روان شناسی ادراک» است (Berleant, ۲۰۰۵).

از آنجاکه محیط پیرامون انسان در کلی ترین نگاه به محیط طبیعی و محیط انسان ساخت تقسیم می شوند، زیبایی شناسی محیطی نیز به عنوان زیبایی شناسی معطوف به محیط، به زیبایی شناسی محیط انسان ساخت (فرآیند و روش های احساس و ادراک و تحسین محیط انسان ساخت و تبیین موقعیت فرد در آن) و زیبایی شناسی محیط طبیعی (فرآیند و روش های احساس و ادراک و تحسین محیط طبیعی و تبیین موقعیت فرد در آن) تقسیم می شود. از این منظر، زیبایی شناسی محیطی تنها ادراک متوالی اشیا و پدیده های متفاوت نیست بلکه درک این موضوع است که چگونه الگوی محیط به عنوان یک کل دارای وحدت و همبسته درک و تحسین شود. در زیبایی شناسی محیطی حس کلی زیبایی و و تعالی بیشتر به خصوصیات کلی بستگی دارد تا خصوصیات اجزای محیط (بل، ۱۳۸۶) و می توان گفت بر اساس این دیدگاه، ادراک و قضاوتی که بر مبنای رمزگشایی از معانی مذکور در ذهن فرد شکل می گیرد، منجر به خلق حس مکان می گردد (Relph, ۱۹۷۶).

در واقع پدیدارشناسان با در نظر گرفتن سه مؤلفه فرم، عملکرد و معنا، در قالب مؤلفه های هویت مکان، حس مکان را به عنوان جنبه یا بُعد دیگری از هویت که در جهت ارتباط سه مؤلفه مذکور عمل می کند، تلقی می کنند (Relph, ۱۹۷۶). همچنین از سوی دیگر، دیدگاه های انتقادی و اثبات گرایی تأکید خود را بر چگونگی تأثیر تفاوت های اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی در میان انسان ها بر شکل گیری حس مکان قرار می دهند. که این امر مبین تأثیر متقابل میان ارزش های فردی، جمعی، نگرش ها و حس مکان می باشد (فلاح، ۱۳۸۵).

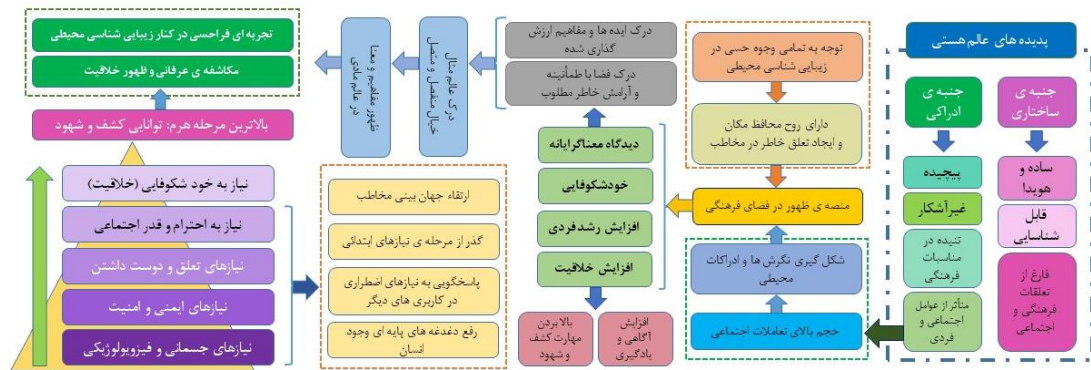
فرآیند ارتباط و تعامل انسان با محیط در سیری خطی در چند مرحله صورت می‌پذیرد (Hershberger, ۱۹۸۸)، که بدین صورت تبیین می‌گردد: نخست ادراک (درک حسی) صورت می‌گیرد و شناخت (درک عقلی) حاصل می‌شود و به مرحله معنا می‌رسد و در آخر به صورت رفتار نمود پیدا می‌کند (Bruner & Postman, ۱۹۴۹, ۱۶). همچنین در ارتباط با فرآیند تعامل انسان با محیط اولریخ نایسر تعریفی ارائه می‌کند با عنوان فرآیند درک معنا. مدل ارائه شده توسط نایسر، نقش اسکیمای یا طرح‌واره ذهنی و قابلیت‌های محیط را در فرآیند ادراک و بالاخره رفتار فضایی نشان می‌دهد. بنابراین او معنا را نیز از ویژگی‌های اسکیمای می‌داند و اعتقاد دارد که آن چه در خاطر و ذهن باقی می‌ماند شیء، صحنه یا رویدادی است که با نقش هدایت‌کنندگی اسکیمای ادراک شده و اسکیمای به‌نوعی درگیر استفاده و یا اصلاح شده باشد (Neisser, ۱۹۷۷, ۲۰).

انسان‌ها در دنیای چند حسی زندگی می‌کنند که با دیدن، بویا، صداها، مزه‌ها و پدیده‌های چشیدنی احاطه شده‌اند؛ و روشی که این محرک‌ها تجربه می‌شوند به فهم ما از محیط پیرامون کمک می‌کند (Mount and Cavet, ۱۹۹۵, ۵۲). روند تکامل ساخت محیط‌های چند حسی از دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز شد (Hazreana, ۲۰۱۰, ۲۶). به اعتقاد یوهانی پالاسما خط مرزی بین ما و دنیای پیرامون توسط حواسمان شناخته و تمیز داده می‌شود. به اعتقاد وی، معماری به سادگی و با اضافه کردن پلان‌ها و مقاطع به نماها تولید نمی‌شود؛ معماری چیز دیگری است که ماورای این‌هاست (Saoji & Bahadure, ۲۰۱۲, ۹۰۱).

در دنیای کنونی با رویداد تأثیرگذار فزاینده تکنولوژی و عصر اطلاعات و تأثیر مستقیم آن بر روابط انسان‌ها، آن چه را که به‌عنوان فرهنگ می‌شناسیم دستخوش بازتعریف‌های جدیدی می‌شود. از دیدگاه کاستل، در این عصر فرهنگ به صورت فرهنگ واقعیت مجازی است که در چارچوب انتقال نمادها به وسیله ابزار انتقال تکنولوژی مطرح می‌شود (Castells, ۸۷, ۲۰۰۱). از دیدگاه شایگان نیز آمیزش اقوام و به‌وجود آمدن چندگانگی فرهنگی، نوعی فرافرنگ و ظهور انسان‌هایی با هویت مرکب چهل تکه از خصوصیات عصر جهانی شدن است (Shaygan, ۲۰۰۵, ۱۳۶). به عبارتی جریانی پدید می‌آید که آن ایجاد الگوهای فرهنگی جدید است (لفافچی و همکاران، ۱۳۹۹). متوجه می‌شویم که فرهنگ وابسته به زمینه و بستر است. فرهنگ مشتمل بر جنبه‌های زندگی انسان‌ها و مجموعه‌هایی از هنجارها، ارزش‌ها و چیزهای مادی است (احمدی، ۱۳۸۲، ۱۸).

مباحث زیبایی‌شناسی محیطی به علت توجه به تمامی جنبه‌های حسی در فضا پس از دستیابی به بالاترین درجه از سلسله‌مراتب حس مکان (روح مکان) امکان‌پذیر است، و علت انتخاب فضاهای فرهنگی جهت بررسی این مهم در آن حضور کاربران و مخاطبان در این فضاها به‌منظور افزایش رشد فردی، خودشکوفایی، کشف و شهود است؛ چراکه مخاطبانی که در این نوع فضاها حضور پیدا می‌کنند از سطح نیازهای ابتدایی خود گذر کردند و طبق سلسله‌مراتب هرم مازلو کاربری از لحاظ عملکردی اضطراری نیست، و درواقع با کاربری چون بیمارستان تفاوت دارد. در بیمارستان مخاطب برای رفع نیازهای ابتدایی و ضروری خود از جمله سلامت جسمی مراجعه می‌کند، اما در محیط‌های فرهنگی به دنبال یادگیری و افزایش آگاهی و بالابردن مهارت کشف و شهود است. در این فضاها قدرت ادراک و شناخت مخاطب از فضاها معماری با طمأنینه و آرامش خاطر مطلوب‌تری صورت می‌گیرد. چراکه معماری در آن برآیند ایده‌ها و مفاهیم ارزش‌گذاری شده‌ای چون سلسله‌مراتب روح مکان و ارتباط انسان و محیط در پارادایم این‌همانی شناسنده و موضوع مورد شناسایی است. همان‌طور که معمار آنچه در عالم مثال و خیال منفصل و متصل به آن رسیده در عالم مادی مفاهیم را به‌منصه ظهور می‌رساند و مخاطب معناگرایانه‌تر و با دید کامل‌تری به فضا نگاه می‌کند و پس از درک آن در فرآیند پردازش داده‌ها در مغز به ادراک و سپس شناخت دست پیدا می‌کند و ارزش‌های آن را در لوح ضمیر خود ثبت می‌نماید. این ارزش‌ها در روح مکان آن فضا مستتر است که منجر

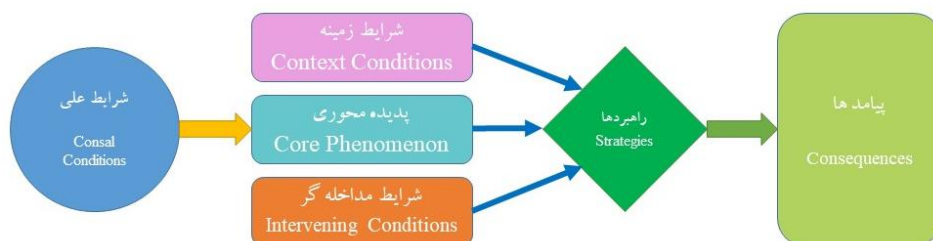
به تداعی خاطر و حس مطلوب از فضا می‌گردد. تا جایی که آن قدر ارتباط مخاطب با فضا پررنگ و عمیق گردد به سطح زیبایی‌شناسی محیطی برسد، چراکه فضا مطلوب و روح‌نواز است و تمام وجوه حسی زیبایی‌شناسی محیطی در آن در نظر گرفته شده است. براین اساس در ادامه چارچوب نظری پژوهش آمده است:



شکل ۱. چارچوب نظری پژوهش (مأخذ: نگارندگان)

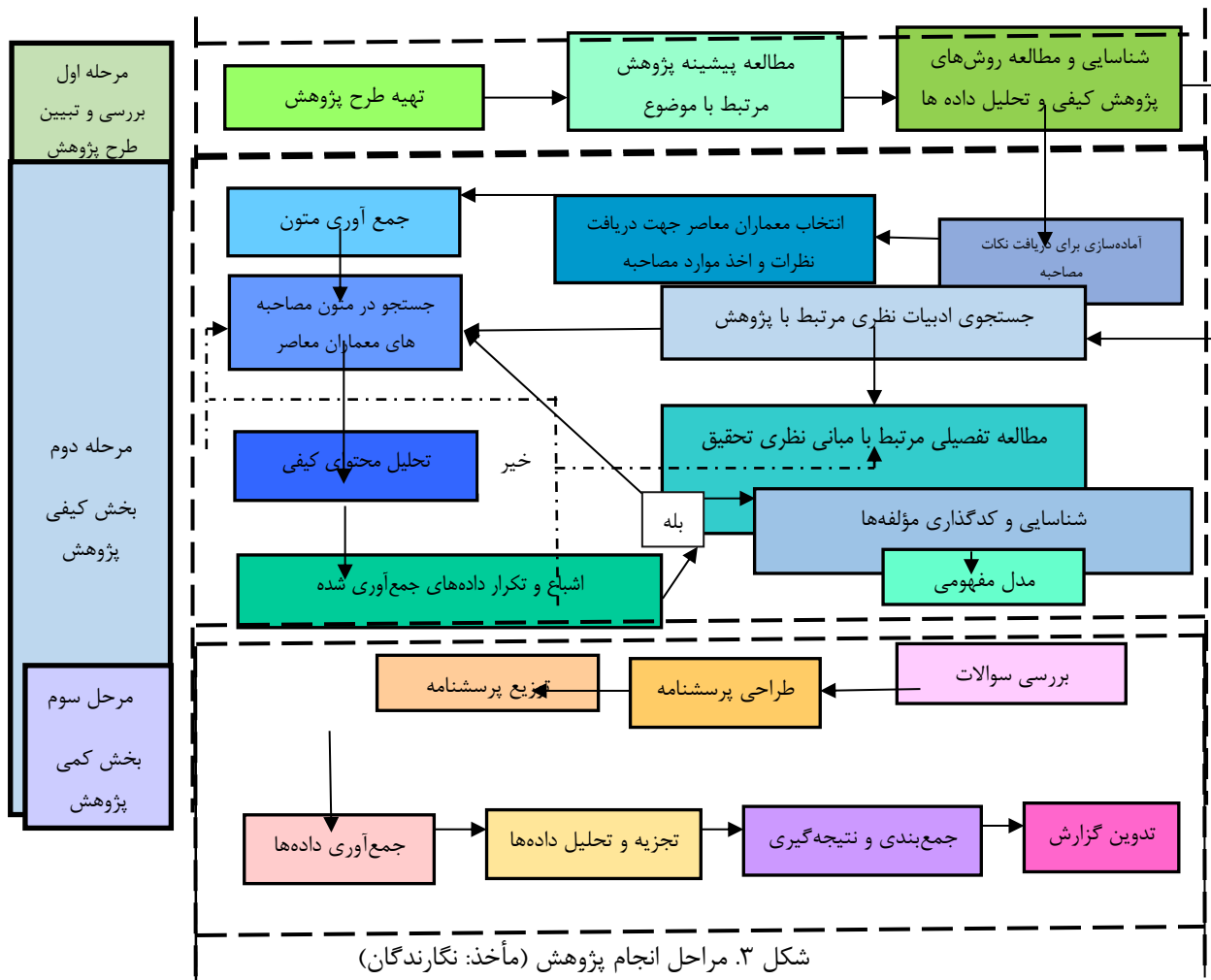
۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت، کمی - کیفی است. روش جمع‌آوری اطلاعات مباحث زیبایی‌شناسی محیطی و روح مکان، نخست به شیوه کتابخانه‌ای با تکیه بر اسناد معتبر با بهره‌گیری از روش تحلیل منطقی، به توصیف و تحلیل گزاره‌های نظری پرداخته شده است. سپس با روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد متنی (Grounded Theory) با رویکرد اکتشافی، گزاره‌های علمی با افق دید آثار فرهنگی معماری معاصر ایران از نقطه‌نظر معماران معاصر ایران و آراء صاحب‌نظران حوزه پژوهش تحلیل و کدگذاری شده است. در این پژوهش، کدگذاری به صورت باز، بازتجمعی، محوری و انتخابی صورت گرفت. کدگذاری محوری بر اساس مدل پارادایم «استراوس و کوربین» (Strauss & Corbin) صورت گرفته است. روش نظریه‌داده‌بنیاد، شیوه‌ای از پژوهش کیفی است که در آن، با استفاده از دسته‌ای از داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد. هدف نظریه‌پردازی داده‌بنیاد تولید نظریه است و در مرحله مقدماتی ارائه مدل نه توصیف صرف پدیده است. برای واژه گراند تئوری (Grounded Theory) در زبان فارسی، معادل‌هایی مثل: «نظریه زمینه‌ای»، «تئوری مفهوم‌سازی بنیادی»، «متدولوژی رویش نظریه‌ها»، «نظریه بنیادی» و «گراند تئوری» ارائه شده است (اخوان و جعفری، ۱۳۸۵). پاول می‌گوید: نظریه داده‌بنیاد، روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را طی یک فرآیند منظم، به جای استنتاج از پیش‌فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به‌طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند (مهرابی و همکاران به نقل از پاول، ۱۳۹۰: ۱۱). نظریه‌پردازی داده‌بنیاد یکی از مهم‌ترین راهبردهای پژوهش کیفی محسوب می‌شود. هدف اصلی این پژوهش، تبیین مدل مفهومی متأثر از زیبایی‌شناسی محیطی در روح مکان آثار فرهنگی معماری معاصر ایران است، که به صورت استقرایی انجام می‌شود.



شکل ۲. کدگذاری مدل پارادایم "Strauss & Corbin" (Creswall, ۲۰۰۵, p. ۴۰۱)

جامعه در بخش کیفی شامل معماران مطرح معاصر ایران است که از میان آن‌ها تعدادی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. در بخش کیفی از نظرات و بیانات ۱۱ نفر از معماران معاصر ایران استفاده شد. روش نمونه‌گیری در مرحله کیفی پژوهش که طراحی مدل محسوب می‌شود، هدفمند است. در ارتباط با مصاحبه و نظرات معماران از روایی صوری استفاده شد. بدین‌منظور که نظرات و مصاحبه‌های معماران معاصر و صاحب‌نظران حوزه پژوهش در اختیار ۵ نفر از اساتید و ۵ نفر از خبرگان معماری قرار گرفت و نظرات پیشنهادی آنان در مصاحبه منظور گردید. جامعه آماری در بخش کمی، شامل معماران و نیز اساتید دانشگاهی است که به موضوع تحقیق آگاهی دارند و تعداد آن‌ها با توجه به گستردگی در سطح کشور نامشخص است. با استفاده از فرمول کوکران و حجم جامعه نامشخص، تعداد ۳۸۴ نفر به‌عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شدند. روش نمونه‌گیری نیز در دسترس است. جهت بررسی پایایی پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان آن ۰/۷۸۵ است. به دست آمد و جهت بررسی روایی از روایی صوری استفاده شد و تأیید گردید. همان‌طور که مطرح گشت جهت تحلیل داده‌های کیفی در این پژوهش از روش گراند تئوری استفاده شده است. در نهایت مدل مفهومی با شش بُعد شرایط علی، پدیده محوری، عوامل زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها تدوین گردیده است. همچنین از خروجی حاصل از مرحله کدگذاری انتخابی یک پرسش‌نامه ۸۵ سؤالی حاصل شد که در اختیار ۳۸۴ نفر از نمونه آماری جامعه دانشگاهی و معماران قرار گرفت و نظرات آنان از طریق آزمون فریدمن و با نرم‌افزار SPSS وزن‌دهی و اولویت‌بندی شده است. در ادامه مراحل انجام پژوهش در قالب شکل طبقه‌بندی و ارائه شده است:



۳. تحلیل داده‌ها

در این بخش به‌واسطه جمع‌آوری گویه‌ها، مصاحبه‌ها و نظرات براساس محتوای پژوهش پرداخته شد. نکات کلیدی منطبق با موضوع پژوهش تا مرحله اشباع جمع‌آوری گردید و به تفکیک هر شخص طبقه‌بندی شد. سپس هر گویه نشانگر مجزا تعریف شد. براساس آن کدهای اولیه به‌صورت کدگذاری باز استخراج گردید. سپس در کدگذاری باز تجمعی بر اساس مشابهت کدها گویه‌ها سازماندهی شد و در مرحله بعد برای کدگذاری محوری مقوله‌های کلی (پارادایم) براساس آن مشخص شد و منجر به تولید مدل اکتشافی کیفی در حالت انتخابی شد.

۳/۱. کدگذاری باز

کدگذاری به فرآیند استخراج مفاهیم از داده‌های خام برحسب محتواها و ابعاد گفته می‌شود که در نهایت به کشف مقوله‌ها می‌انجامد. در مرحله کدگذاری باز، گویه‌ها، مصاحبه‌ها و نظرات ۱۱ نفر صاحب‌نظران و معماران معاصر ایران استخراج و کدها وارد فرآیند مراحل گردید. اسامی معماران و صاحب‌نظران بدین شرح است: ایرج اعتصام، امیر بانی مسعود، کامران دیبا، فرهاد احمدی، محسن فروغی، علی‌اکبر صارمی، سید هادی میرمیران، عبدالعزیز فرمانفرمائیان، بهرام شیردل، محمدرضا جودت، ایرج کلانتری. در مرحله اول کدگذاری باز جهت شماره‌گذاری، حرف A نشانگر هر معمار و حرف B نشانگر هر کد از محتوای مستخرج است. به‌عنوان نمونه یکی از جدول در ادامه آمده است:

جدول ۱: کدگذاری باز گردآوری گویه‌های شماره ۱، ایرج اعتصام.

کدگذاری باز گردآوری گویه‌های شماره ۱، ایرج اعتصام			
ردیف	نکات کلیدی	نشانگرها	کد
۱	بهره‌گیری از نور طبیعی و دسترسی مناسب از نیازهای اصلی طرح است (اعتصام، ۱۳۸۸).	A1B1	بهره‌گیری از نور طبیعی و ایجاد دسترسی مناسب
۲	عناصر فضایی، در ساختاری شبکه‌ای و متشکل از واحدها و مدول‌های هندسی، سامان‌دهی می‌شوند (اعتصام، ۱۳۸۸).	A1B2	سازماندهی عناصر فضایی در ساختارهای شبکه‌ای و مدول‌های هندسی
۳	عملکردها در سطوح گسترده می‌شود (اعتصام، ۱۳۸۸).	A1B3	گسترش عملکرد در سطوح و ایجاد سناریو حرکتی برای مخاطب
۴	معماری سنتی ایران مهم‌ترین منبع الهام در آفرینش است (اعتصام و همکاران، ۱۳۸۹).	A1B4	مفاهیم معماری سنتی به‌عنوان منبع الهام
۵	حداکثر تلاش برای بازآفرینی فضای معماری کهن ایرانی در آثار فرهنگی مشاهده می‌شود (اعتصام و همکاران، ۱۳۸۹).	A1B5	بازآفرینی فضای فرهنگی معماری کهن ایرانی
۶	گرفتن بخشی از حجم ساختمان در دل زمین و کنترل ارتفاع ساختمان و قوس جداکننده بخش میانی، از زمین از مهم‌ترین نکات قوت بنا است (اعتصام و همکاران، ۱۳۹۲).	A1B6	کنترل ارتفاع ساختمان در مقابل دید ناظر و جهت‌گیری مناسب آن در سایت پروژه
۷	زیبایی‌شناسی ریشه در دیدگاه مینیمالیستی دارد (اعتصام، ۱۳۸۸).	A1B7	دیدگاه مینیمالیستی در جهت زیبایی‌شناسی
۸	سازه و فرم معماری در یک همگونی کامل نسبت به هم طراحی شده‌اند (اعتصام، ۱۳۸۸).	A1B8	همگونی عملکرد سازه و برنامه طراحی

همخوانی فرم با سازه و توجه به استحکام در عین زیبایی	A1B9	معماری پروژه محصول سازه و فرم آن است (اعتصام و همکاران، ۱۳۹۲).	۹
همخوانی عملکرد فرهنگی با برنامه‌ریزی کالبدی	A1B10	عملکرد پروژه به ملزومات برنامه‌ریزی کالبدی آن پاسخ دهد (اعتصام، ۱۳۸۸).	۱۰
استفاده از الگوها و موتیف‌های معماری سنتی ایرانی	A1B11	استفاده از الگوهای معماری سنتی ایرانی در پلان‌ها و نماها مورد توجه قرار گیرد (اعتصام، ۱۳۸۸).	۱۱
استفاده از مصالح تداعی‌گر معماری بومی و سنتی	A1B12	مصالحی که ارتباط با گذشته را بیشتر نشان می‌دهد استفاده شود (اعتصام و همکاران، ۱۳۹۲).	۱۲
تشابه ظاهر و شکل در انطباق با مفهوم فرم‌های سنتی	A1B13	برای الگوگیری از معماری ایرانی دو گرایش تشابه ظاهر و شکل معماری با معماری سنتی است (اعتصام، ۱۳۸۸).	۱۳
القای معانی معماری ایرانی باتکیه‌بر مورفولوژی مفاهیم	A1B14	جهت القای مفاهیم و معانی معماری ایرانی می‌توان از راه باطن و فضای معماری تلاش نمود (اعتصام، ۱۳۸۸).	۱۴
القای جنبه‌های معنایی فرهنگ در روح فضا	A1B15	تشابه ظاهری به معماری سنتی و فرهنگی در روح فضا و معنا و مفاهیم پی گرفته شده است (اعتصام، ۱۳۸۸).	۱۵

۳/۲. کدگذاری بازتجمعی براساس مقوله و مفاهیم

در مرحله کدگذاری بازتجمعی، گویه‌های معماران از کدگذاری باز در مرحله قبلی مورد بررسی قرار گرفت و براساس شباهت‌های محتوایی و معنایی، هر دسته به صورت مجزا طبقه بندی گردید، و کدهای متناظر در کنار یکدیگر قرار گرفتند. سپس مقوله فرعی باتوجه به ماهیت و معانی از آن استخراج و نام‌گذاری گردید. سپس فراوانی هر مقوله در کنار آن درج گردید. در ادامه جدول آن آمده است:

جدول ۲: جدول تجمیع شده (مفاهیم استخراج شده) از کدگذاری باز (مأخذ: نگارندگان)

فراوانی	مقوله فرعی	کدهای متناظر
۴	ایجاد فضای تلطیف شده با نفوذ متعادل نور طبیعی	A1B1 A9B5 A4B1 A5B8
۲	وجود سناریوی حرکتی تعریف شده با دسترسی مناسب	A1B1 A1B3
۳	ایجاد حس صمیمیت بین مخاطبان با ایجاد فضای صریح و سازماندهی هندسی	A1B2 A7B9 A10B12
۳	گسترش عملکرد در سطح و ایجاد استقلال فضا در عین وجود ارتباط	A1B3 A7B1 A11B15
۲	سیرکولاسیون حرکتی تعریف شده در ارتباط بین فضای بازو بسته	A1B3 A7B12
۳	توجه به حس لامسه و زیبایی حرارتی با ایجاد سیرکولاسیون هوای مطبوع و نور تعدیل یافته	A5B9 A4B1 A1B1
۳	ظهور نوین موتیف‌ها و کهن‌الگوهای معماری سنتی با تکنولوژی روز	A1B4

A1B11 AVB12		
A1B5 A1B12	استفاده از مصالح تداعی گر در الگوهای فضای فرهنگی کهن	۲
A9B2 A3B17 A4B3 A1B10	ایجاد تحرک و پویایی به واسطه همخوانی عملکردها در مفهوم گرایی فرهنگی	۴
A1B6 A2B4	توجه به حس ناظر با ترکیب بندی بصری حجم و کنترل ارتفاع در جبهه اصلی	۲
A1B7 A11B11	زیبایی شناسی محیطی با بیان شفاف، بدون حشو و دیدگاه مینیمالیستی	۲
A1B8 A1B9	همگونی و این همانی زیبایی فرم با عملکرد سازه	۲
A1B13 A5B1 A1B14	ظاهر نوین همگام با تکنولوژی در عین رابطه حقیقی با مورفولوژی و مفاهیم سنتی	۳
A1B15 A3B14 A3B18	القای جنبه های معنایی فرهنگ در روح فضا از ادراک روان و جهان بینی انسان و نمودهای رفتار اجتماعی او	۳
A2B1 A2B2 A9B5	حس آمیزی بصری حجم در مقابل نور با ورود نور تلطیف شده از نورگیرها به فضا	۳
A2B3 A11B11 A11B12 A9B5 A11B6	بروز سادگی در هم پیوندی با اختصار و شفافیت در بیان و اعتدال در ترکیب مصالح	۵
A2B10 A10B12	بروز حس صمیمیت با فضای پویا و پرتحرک، در قالب برنامه چند کارکردی	۲
A2B4 A11B14 A5B2	خوانایی و زیبایی بصری به واسطه نظم ساختار یافته اشکال در ترکیب بندی	۳
A7B6 A4B1	ایجاد ضرب آهنگ بصری با سیمای موزون در اشکال نمادین	۲
A2B5 A10B6	ظهور رنگ با طیف محدود و مبتنی بر وضوح و انضباط	۲
A2B6 A3B1	توجه به زیبایی حرارتی به واسطه تعادل در به کارگیری مصالح متنوع سرد و گرم	۲
A2B7 A2B13 A10B5 A2B8	ایجاد مرز بندی های نمادین با ایجاد فضای واسط در تفکیک فضایی عملکردها	۴
A2B11 A7B3 A7B4 A7B6	امکان تداعی خاطر نمادین و باز آفرینی ملموس با تناسبات حجمی مانا و نوستالژیک	۴

A۲B۱۲ A۷B۷	فضای شعفانگیز با القای حس سبکی در حجم بنا و شکاف در ورودی	۲
A۲B۱۴ A۵B۱۱ A۲B۹	همخوانی با شرایط خاص اقلیمی، و توجه به گونه‌شناسی معماری	۳
A۲B۱۵ A۷B۱۵ A۴B۱۱	القای کیفیت بی مرزی و حس آمیزی با نیروهای طبیعی به واسطه عناصر شفاف و منعکس کننده (آینه، شیشه، آب، نور)	۳
A۳B۲ A۳B۱۱	بروز روح مکان با به کارگیری ذوق و استعداد معمار در بالاترین مرحله خلاقیت و خودشکوفایی	۲
A۳B۳ A۳B۵ A۳B۷	نهی معماری نمایشی و بروز دانش فنی باتوجه به مد روز و معماری نوین	۳
A۳B۶ A۳B۴ A۵B۲	حفظ کیفیت در طول زمان به واسطه قابلیت نظافت و نگهداری در عین صرفه اقتصادی	۳
A۳B۹ A۳B۱۵ A۳B۸	نظام فکری بر اساس ارتباط دوسویه انسان و فضای فرهنگی با الگوهای ذهنی و تکنولوژیک جدید	۳
A۳B۱۰ A۵B۴ A۳B۱۲	ابداع نوین ترکیب استعاره‌های هویت تاریخی و پدیده‌های دنیای مدرن با الهام از روح مفاهیم گذشته	۳
A۳B۱۳ A۸B۸ A۹B۱۰ A۶B۱۱ A۴B۴ A۹B۸	خلق زیبایی‌شناسی کارکردی در فضای نوین از پل ارتباطی میان دستاوردهای مدرنیته و سنت عرفانی	۶
A۳B۱۷ A۴B۶ A۸B۱	هم‌پیوندی تناسب هندسی با نظم طبیعت و بوم گرایی	۳
A۳B۱۷ A۷B۴ A۱۰B۶ A۷B۴	تجلی انعکاس سرراست و شفافیت بی‌مرز	۴
A۳B۱۷ A۴B۱۶	وجود تداوم، ریتم و ضرب‌آهنگ حسی در فضا	۲
A۳B۱۷ A۱۰B۹	مکاشفه بین راز و ابهام فضای تیره و روشن در بافت	۲
A۳B۱۷ A۴B۲ A۱۰B۸ A۵B۵ A۷B۱۳	دیدگاه همه‌جانبه‌نگر در تعادل موزون، تداوم و یکپارچگی در بستر برای خوانایی عناصر	۵
A۳B۱۹ A۴B۹	ایجاد کالبد و ساختار به زبان معاصر در پیوند با حس تعلق از فرهنگ و تمدن	۲
A۳B۲۰ A۹B۴	این‌همانی سوژه و ابژه در برخورد پیچیده و متغیر با ابعاد نمادین، فرهنگی و تمثیلی	۲

A۳B۲۱ A۳B۲۲ A۳B۱۰	توجه به نیاز و اسکیمای ذهنی کاربران در برنامه‌ریزی و توسعه ساختاری	۳
A۳B۲۳ A۳B۲۲	تمرکز بر عقاید، باورها و ارزش‌های ساختاری در زیبایی‌شناسی محیطی در پاسخگویی به نیازها	۲
A۳B۲۴ A۳B۱۰	بروز معیارهای عینی بر اساس ادراک و اسکیمای مخاطب	۲
A۴B۱ A۱۱B۵ A۵B۷	توجه به جهت استقرار ساختمان برای تعامل نور و سایه‌اندازی‌ها با بافت مصالح و عناصر	۳
A۴B۵ A۴B۷	فضاسازی بیرونی انعکاسی از تجلی مفهوم درونی	۲
A۴B۸ A۴B۱۵ A۴B۱۰	ظهور زیبایی به واسطه ارتباط روح معمار با عالم خیال ظهور و مفاهیم اسطوره‌ای و اساطیری	۳
A۴B۱۲ A۱۱B۱۰	همگونی و این‌همانی با محیط طبیعی، بستر و نیروهای آزاد در عناصر متفکرانه	۲
A۴B۱۳ A۷B۱۴	پپچیدگی در عین ایجاز و قابلیت شناسایی و پیش‌بینی	۲
A۴B۱۴ A۵B۷	بروز الگوی بنیادین دو محور آب و نور در اقلیم ایران	۲
A۴B۱۶ A۵B۳	وجود فضای تهی از منظر جنبه محتوایی سنت در طرح	۲
A۵B۶	رابطه متقابل ظاهری بین اجزا	۱
A۵B۸ A۵B۹ A۷B۷	ایجاد کوران مناسب و تهویه هوای مطبوع	۳
A۷B۱۳ A۱۱B۲ A۷B۱۵	ترکیب عناصر غیرهمگن و متنوع با توجه به عوارض و شکل زمین	۳
A۷B۱۵ A۱۰B۴	ایجاد فضای اتفاقی با سیالیت فضاها	۲
A۷B۱۵ A۱۰B۴	ایجاد فضای شورانگیز به واسطه پیوستگی حجم	۲
A۷B۱۷ A۷B۲ A۱۰B۱۰	ظهور تناسبات طلایی و هندسه انتزاعی	۳
A۷B۵ A۱۱B۷	ایجاد سرزندگی، پویایی و هارمونی منطقی در نظم سطوح فضاهای فعال اجتماعی	۲
A۱۱B۸ A۷B۵	توجه به کارکردهای اجتماعی فضاهای فعال	۲
A۷B۸	ورود با طمأنینه و دعوت‌کنندگی	۱
A۷B۹ A۵B۹	مطلوبیت سیرکولاسیون حرارتی و کنترل گرما	۲
A۷B۱۰	حذف مزاحمت‌های صوتی و عملکردی	۱
AVB۱	ایده‌پردازی از کیفیات انتزاعی و استعاری با بهره‌گیری از حس خیال و خاطر	۵

AVBA AVB۱۰ AVB۲ AVB۳		
AVB۵	تأکید به هستی‌شناسی و ارتباط با آسمان	۱
AVB۵ AVB۱۴ A۴B۱۶	کاهش ماده و افزایش فضا با ایجاد فضای تهی	۳
AVB۶ A۱۰B۲	ظهور حس شکوهمندی و اقتدار با گسترش لایه‌بندی افقی و عمودی	۲
A۲B۴ AVB۱۱	تمرکز بصری در ترکیب‌بندی شکل بنا	۲
AVB۱۱ AVB۵	آزاد گذاشتن بیشتر اراضی مجموعه با کاهش ماده	۲
A۸B۲ A۸B۳	طراحی تکنولوژیک فرم و شکل به‌واسطه مصالح نوین	۲
A۸B۵ A۸B۴	طراحی بر اساس محدودیت‌ها، مقتضیات زمان و امکانات بستر اجتماعی	۲
A۳B۱۶ A۸B۵	انطباق اصول و مفاهیم با محیط، فرهنگ و زمان	۲
A۸B۶ A۸B۱۰	توجه به جزئیات اجرایی و طراحی	۲
A۸B۹ A۹B۱ A۱۰B۷	هماهنگی دنیای ذهنی معمار با دنیای بیرونی در عین انطباق با افکار زمان	۳
A۹B۳ A۹B۹	قابلیت انعطاف‌پذیری فضاها در پاسخگویی به تفاوت‌ها	۲
A۹B۴ AVB۹	نمایان ساختن هویت اشیا و جوهره فرمال با بیان تجریدی و معرفت‌شناسانه	۲
A۶B۳ A۶B۴ A۲B۱۱	حس دل‌بستگی به‌خاطر بازآفرینی ملموس و تداعی خاطر نمادین	۳
A۹B۶ A۱۰B۲	امکان تعاملات فرهنگی و ارتباطی مخاطبان	۲
A۹B۷ A۱۰B۲	امکان ایجاد طوفان ذهنی، تعامل افکار و تبادل اطلاعات در گفتمان روشنفکرانه فضای فرهنگی	۲
A۹B۱۱ A۹B۱۱	استفاده از احجام سه‌بعدی یکسان، یکنواخت و افلاطونی	۲
A۹B۱۲ A۹B۱۳	اهمیت نقش زمان و مکان در بروز فضای معین و تغییر ابعاد	۲
A۱۰B۱ A۱۰B۳	بروز زیباشناختی در جهت دگرگونی زمینه فرهنگی و فلسفه	۲
A۱۰B۵ A۱۱B۹	لزوم اعمال سلسله‌مراتب در تکنرگرایی	۲
A۱۰B۱۱ A۱B۳	دیدگاه کل‌گرا در گسترش عملکرد و بافت در شکل‌بندی سناریوها	۲
A۱۰B۱۰	بروز صراحت در قطعات و بافت برای رسایی گستره تصویر	۲

A۱۰B۱۱		
A۱۱B۱ AVB۱۳	توجه به ابعاد بستر در ریخت شناسی	۲
A۱۱B۱۳ A۱۱B۲	ارتباط دوسویه میان وحدت و کثرت	۲
A۱۱B۳ A۱۱B۹ AVB۱۱	تکثرگرایی متمرکز و یکپارچه	۳
A۱۱B۴ A۱۱B۵	پاسخ به شرایط محلی با ارزش‌های دید و منظر	۲

۳/۳. کدگذاری محوری

مرحله دوم کدگذاری داده‌ها به کدگذاری محوری مرسوم است. در این مرحله، مقوله‌ها به صورت یک شبکه با هم در ارتباط قرار می‌گیرند. هدف این مرحله از کدگذاری، بازگرداندن نظم و انسجام به داده‌های کدگذاری شده، دسته‌بندی، ترکیب و سازماندهی میزان زیاد داده‌ها و باز جمع کردن آن‌ها به شیوه‌های جدید است. در این قسمت با مهیاشدن شرایط لازم، منبعث از قسمت‌های پیشین می‌توان به سؤال فرعی تحقیق به شرح ذیل پاسخ داد:

+ موارد شرایط علی، پدیده محوری، عوامل زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها در مدل مفهومی متأثر از زیبایی‌شناسی محیطی در روح مکان آثار فرهنگی معماری معاصر ایران چیست؟
بدین منظور در جدول زیر طبقه‌بندی مقوله کلی (پارادایم) براساس مقوله‌های فرعی ارائه گشته است:

جدول ۳: جدول کدگذاری محوری (مأخذ: نگارندگان)

مقوله کلی (پارادایم)	مقوله فرعی
عوامل زمینه‌ای	* تمرکز بر عقاید، باورها و ارزش‌های ساختاری در زیبایی‌شناسی محیطی در پاسخگویی به نیازها * پاسخ به شرایط محلی با ارزش‌های دید و منظر * توجه به حس لامسه و زیبایی حرارتی با ایجاد سیرکولاسیون هوای مطبوع و نور تعدیل‌یافته * توجه به نیاز و اسکیمای ذهنی کاربران در برنامه‌ریزی و توسعه ساختاری * تجلی انعکاس سراسر و شفافیت بی‌مرز * وجود تداوم، ریتم و ضرب‌آهنگ حسی در فضا * مکاشفه بین راز و ابهام فضای تیره و روشن در بافت * بروز الگوی بنیادین دو محور آب و نور در اقلیم ایران * ایده‌پردازی از کیفیات انتزاعی و استعاری با بهره‌گیری از حس خیال و خاطر * امکان ایجاد طوفان ذهنی، تعامل افکار و تبادل اطلاعات در گفتمان روشنفکرانه فضای فرهنگی * اهمیت نقش زمان و مکان در بروز فضای معین و تغییر ابعاد * توجه به ابعاد بستر در ریخت‌شناسی
راهبردها	* وجود سناریوی حرکتی تعریف شده با دسترسی مناسب * استفاده از مصالح تداعی‌گر در الگوهای فضای فرهنگی کهن * توجه به حس ناظر با ترکیب‌بندی بصری حجم و کنترل ارتفاع در جبهه اصلی

<ul style="list-style-type: none"> * حس آمیزی بصری حجم در مقابل نور با ورود نور تلطیف شده از نورگیرها به فضا * خوانایی و زیبایی بصری به واسطه نظم ساختاریافته اشکال در ترکیب بندی * ایجاد ضرب آهنگ بصری با سیمای موزون در اشکال نمادین * ظهور رنگ با طیف محدود و مبتنی بر وضوح و انضباط * القای کیفیت بی مرزی و حس آمیزی با نیروهای طبیعی به واسطه عناصر شفاف و منعکس کننده (آینه، شیشه، آب، نور) * اینهمانی سوزه و آبزه در برخورد پیچیده و متغیر با ابعاد نمادین، فرهنگی و تمثیلی * توجه به جهت استقرار ساختمان برای تعامل نور و سایه اندازیها با بافت مصالح و عناصر * فضاسازی بیرونی انعکاسی از تجلی مفهوم درونی * ایجاد کوران مناسب و تهویه هوای مطبوع * ورود با طمأنینه و دعوت کنندگی * مطلوبیت سیرکولاسیون حرارتی و کنترل گرما * تمرکز بصری در ترکیب بندی شکل بنا * آزاد گذاشتن بیشتر اراضی مجموعه با کاهش ماده * تکثرگرایی متمرکز و یکپارچه * گسترش عملکرد در سطح و ایجاد استقلال فضا در عین وجود ارتباط * سیرکولاسیون حرکتی تعریف شده در ارتباط بین فضای باز و بسته 	
<ul style="list-style-type: none"> * نظام فکری بر اساس ارتباط دوسویه انسان و فضای فرهنگی با الگوهای ذهنی و تکنولوژیک جدید * ایجاد کالبد و ساختار به زبان معاصر در پیوند با حس تعلق از فرهنگ و تمدن * انطباق اصول و مفاهیم با محیط، فرهنگ و زمان * ابداع نوین ترکیب استعاره‌های هویت تاریخی و پدیده‌های دنیای مدرن با الهام از روح مفاهیم گذشته * تأکید به هستی‌شناسی و ارتباط با آسمان * حس دل‌بستگی به خاطر بازآفرینی ملموس و تداعی خاطر نمادین * ظهور نوین موتیف‌ها و کهن‌الگوهای معماری سنتی با تکنولوژی روز * بروز سادگی در هم‌پیوندی با اختصار و شفافیت در بیان و اعتدال در ترکیب مصالح * بروز حس صمیمیت با فضای پویا و پرتحرک، در قالب برنامه چند کارکردی * توجه به زیبایی حرارتی به واسطه تعادل در به‌کارگیری مصالح متنوع سرد و گرم * ایجاد مرزبندی‌های نمادین با ایجاد فضای واسط در تفکیک فضایی عملکردها * نفی معماری نمایشی و بروز دانش فنی باتوجه به مد روز و معماری نوین * حفظ کیفیت در طول زمان به واسطه قابلیت نظافت و نگهداری در عین صرفه اقتصادی * امکان تعاملات فرهنگی و ارتباطی مخاطبان * استفاده از احجام سه‌بعدی یکسان، یکنواخت و افلاطونی * دیدگاه کل‌گرا در گسترش عملکرد و بافت در شکل‌بندی سناریوها 	شرایط علی
<ul style="list-style-type: none"> * زیبایی‌شناسی محیطی با بیان شفاف، بدون حشو و دیدگاه مینیمالیستی * امکان تداعی خاطر نمادین و بازآفرینی ملموس با تناسبات حجمی مانا و نوستالژیک * ظاهر نوین همگام با تکنولوژی در عین رابطه حقیقی با مورفولوژی و مفاهیم سنتی * بروز روح مکان با به‌کارگیری ذوق و استعداد معمار در بالاترین مرحله خلاقیت و خودشکوفایی * ایجاد فضای اتفاقی با سیالیت فضاها * توجه به کارکردهای اجتماعی فضاهای فعال 	پدیده محوری

<p>* نمایان ساختن هویت اشیا و جوهره فرمال با بیان تجریدی و معرفت‌شناسانه</p>	<p>مداخله‌گرها</p> <p>* پیچیدگی در عین ایجاز و قابلیت شناسایی و پیش‌بینی</p> <p>* وجود فضای تهی از منظر جنبه محتوایی سنت در طرح</p> <p>* حذف مزاحمت‌های صوتی و عملکردی</p> <p>* طراحی بر اساس محدودیت‌ها، مقتضیات زمان و امکانات بستر اجتماعی</p> <p>* همخوانی با شرایط خاص اقلیمی، و توجه به گونه‌شناسی معماری</p> <p>* بروز معیارهای عینی بر اساس ادراک و اسکیمای مخاطب</p> <p>* رابطه متقابل ظاهری بین اجزا</p> <p>* ترکیب عناصر غیرهمگن و متنوع با توجه به عوارض و شکل زمین</p> <p>* طراحی تکنولوژیک فرم و شکل به‌واسطه مصالح نوین</p> <p>* توجه به جزئیات اجرایی و طراحی</p> <p>* هماهنگی دنیای ذهنی معمار با دنیای بیرونی در عین انطباق با افکار زمان</p> <p>* قابلیت انعطاف‌پذیری فضاها در پاسخگویی به تفاوت‌ها</p> <p>* لزوم اعمال سلسله‌مراتب در تکثیرگرایی</p> <p>* ارتباط دوسویه میان وحدت و کثرت</p>
<p>* ظهور زیبایی به‌واسطه ارتباط روح معمار با عالم خیال ظهور و مفاهیم اسطوره‌ای و اساطیری</p> <p>* همگونی و این‌همانی با محیط طبیعی، بستر و نیروهای آزاد در عناصر متفکرانه</p> <p>* ایجاد فضای شورانگیز به‌واسطه پیوستگی حجم</p> <p>* ایجاد سرزندگی، پویایی و هارمونی منطقی در نظم سطوح فضاها فعال اجتماعی</p> <p>* کاهش ماده و افزایش فضا با ایجاد فضای تهی</p> <p>* ظهور حس شکوهمندی و اقتدار با گسترش لایه‌بندی افقی و عمودی</p> <p>* بروز صراحت در قطعات و بافت برای رسایی گستره تصویر</p> <p>* ایجاد فضای تلطیف شده بانفوذ متعادل نور طبیعی</p> <p>* ایجاد حس صمیمیت بین مخاطبان با ایجاد فضای صریح و سازماندهی هندسی</p> <p>* فضای شعفانگیز با القای حس سبکی در حجم بنا و شکاف در ورودی</p> <p>* خلق زیبایی‌شناسی کارکردی در فضای نوین از پل ارتباطی میان دستاوردهای مدرنیته و سنت عرفانی</p> <p>* ظهور تناسبات طلایی و هندسه انتزاعی</p> <p>* بروز زیباشناختی در جهت دگرگونی زمینه فرهنگی و فلسفه</p> <p>* ایجاد تحرک و پویایی به‌واسطه همخوانی عملکردها در مفهوم‌گرایی فرهنگی</p> <p>* القای جنبه‌های معنایی فرهنگ در روح فضا از ادراک روان و جهان‌بینی انسان و نمودهای رفتار اجتماعی او</p> <p>* دیدگاه همه‌جانبه‌نگر در تعادل موزون، تداوم و یکپارچگی در بستر برای خوانایی عناصر</p> <p>* همگونی و این‌همانی زیبایی فرم با عملکرد سازه</p>	<p>پیامدها</p>

۳/۴. کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی در پاسخ به سؤال اصلی یعنی "مدل مفهومی متأثر از زیبایی‌شناسی محیطی در روح مکان آثار فرهنگی معماری معاصر ایران چیست؟" می‌باشد. در جهت پاسخ به این سؤال بر اساس کدگذاری در مدل پارادایم استراوس و کوربین، دسته‌بندی گویه‌ها از کدگذاری محوری به‌صورت مدل اکتشافی کیفی در حالت انتخابی سازماندهی گردید که در ادامه آمده است:

شکل ۴. مدل اکتشافی کیفی در حالت انتخابی (مأخذ: نگارندگان)



۴. رتبه‌بندی زیرشاخص‌ها

جدول ۴. آزمون فریدمن (مأخذ: نگارندگان)

تعداد	کای دو	درجه آزادی	سطح معناداری
۳۸۴	۲۱۳۴۳۷	۸۴	۰/۰۰۰

در این مرحله، مقدار Sig به دست آمده است؛ که برابر ۰/۰۰ است و از ۰/۰۵ کمتر است فرض صفر آماری در سطح معناداری ۹۵ درصد مردود و فرض یک پذیرفته می‌شود. باین وصف، اولویت‌ها و رتبه‌های زیر شاخص‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد. باتوجه به آزمون فریدمن "توجه به حس لامسه و زیبایی حرارتی با ایجاد سیرکولاسیون هوای مطبوع و نور تعدیل یافته"، "القای جنبه‌های معنایی فرهنگ در روح فضا از ادراک روان و جهان‌بینی انسان و نمودهای رفتار اجتماعی او" و "حس‌آمیزی بصری حجم در مقابل نور با ورود نور تلطیف شده از نورگیرها به فضا" رتبه اول تا سوم برخوردارند. در ادامه میانگین رتبه‌ای و رتبه هر کدام آمده است:

جدول ۵. رتبه‌بندی زیر شاخص‌های تحقیق (مأخذ: نگارندگان)

رتبه	میانگین رتبه‌ای	معیارها
۴۱	۲۹,۹۸	تمرکز بر عقاید، باورها و ارزش‌های ساختاری در زیبایی‌شناسی محیطی در پاسخگویی به نیازها
۵۹	۲۴,۸۷	پاسخ به شرایط محلی با ارزش‌های دید و منظر
۱	۴۸,۱۲	توجه به حس لامسه و زیبایی حرارتی با ایجاد سیرکولاسیون هوای مطبوع و نور تعدیل یافته
۱۶	۴۲,۵۵	توجه به نیاز و اسکیمای ذهنی کاربران در برنامه‌ریزی و توسعه ساختاری
۳۵	۳۲,۵۶	تجلی انعکاس سراسر است و شفافیت بی مرز
۳۷	۳۲,۱۲	وجود تداوم، ریتم و ضرب آهنگ حسی در فضا
۱۳	۴۳,۸۸	مکاشفه بین راز و ابهام فضای تیره و روشن در بافت
۶۲	۲۳,۰۳	بروز الگوی بنیادین دو محور آب و نور در اقلیم ایران
۱۰	۴۴,۷۸	ایده‌پردازی از کیفیات انتزاعی و استعاری با بهره‌گیری از حس خیال و خاطر
۱۹	۴۰,۱۶	امکان ایجاد طوفان ذهنی، تعامل افکار و تبادل اطلاعات در گفتمان روشنفکرانه فضای فرهنگی
۸۳	۱۰,۹۰	اهمیت نقش زمان و مکان در بروز فضای معین و تغییر ابعاد
۸۱	۱۲,۶۳	توجه به ابعاد بستر در ریخت‌شناسی
۲۹	۳۶	وجود سناریوی حرکتی تعریف شده با دسترسی مناسب
۴۰	۳۰,۰۱	استفاده از مصالح تداعی‌گر در الگوهای فضای فرهنگی کهن
۵۶	۲۵,۸۱	توجه به حس ناظر با ترکیب‌بندی بصری حجم و کنترل ارتفاع در جبهه اصلی
۳	۴۷,۱۲	حس‌آمیزی بصری حجم در مقابل نور با ورود نور تلطیف شده از نورگیرها به فضا
۵۵	۲۵,۹۹	خوانایی و زیبایی بصری به واسطه نظم ساختاریافته اشکال در ترکیب‌بندی
۴	۴۶,۹۹	ایجاد ضرب آهنگ بصری با سیمای موزون در اشکال نمادین
۱۵	۱۱,۴۳	ظهور رنگ با طیف محدود و مبتنی بر وضوح و انضباط

۲۴	۱۱.۳۹	الفای کیفیت بی‌مرزی و حس‌آمیزی با نیروهای طبیعی به‌واسطهٔ عناصر شفاف و منعکس‌کننده (آینه، شیشه، آب، نور)
۵	۴۶،۷۷	این‌همانی سوژه و اُبژه در برخورد پیچیده و متغیر با ابعاد نمادین، فرهنگی و تمثیلی
۵۰	۲۶،۰۸	توجه به جهت استقرار ساختمان برای تعامل نور و سایه‌اندازی‌ها با بافت مصالح و عناصر
۴۳	۲۹،۶۱	فضاسازی بیرونی انعکاسی از تجلی مفهوم درونی
۲۶	۳۸،۸۶	ایجاد کوران مناسب و تهویهٔ هوای مطبوع
۶۱	۲۳،۴۴	ورود با طمأنینه و دعوت‌کنندگی
۱۴	۴۳،۱۹	مطلوبیت سیرکولاسیون حرارتی و کنترل گرما
۷۶	۱۱.۱۷	تمرکز بصری در ترکیب‌بندی شکل بنا
۸۲	۵۴.۱۱	آزاد گذاشتن بیشتر اراضی مجموعه با کاهش ماده
۵۷	۲۵،۱۰	تکثرگرایی متمرکز و یکپارچه
۳۳	۳۴،۰۴	گسترش عملکرد در سطح و ایجاد استقلال فضا در عین وجود ارتباط
۳۱	۳۵،۶۰	سیرکولاسیون حرکتی تعریف شده در ارتباط بین فضای بازو بسته
۲۳	۳۹،۴۶	نظام فکری بر اساس ارتباط دوسویه انسان و فضای فرهنگی با الگوهای ذهنی و تکنولوژیک جدید
۷۱	۱۹،۶۶	ایجاد کالبد و ساختار به زبان معاصر در پیوند با حس تعلق از فرهنگ و تمدن
۷۲	۱۱.۱۹	انطباق اصول و مفاهیم با محیط، فرهنگ و زمان
۷۳	۱۹،۰۳	ابداع نوین ترکیب استعاره‌های هویت تاریخی و پدیده‌های دنیای مدرن با الهام از روح مفاهیم گذشته
۴۲	۲۹،۷۶	تأکید به هستی‌شناسی و ارتباط با آسمان
۷	۴۵،۲۲	حس دل‌بستگی به‌خاطر بازآفرینی ملموس و تداعی خاطر نمادین
۴۹	۲۶،۱۰	ظهور نوین موتیف‌ها و کهن‌الگوهای معماری سنتی با تکنولوژی روز
۳۲	۳۵،۴۶	بروز سادگی در هم‌پیوندی با اختصار و شفافیت در بیان و اعتدال در ترکیب مصالح
۲۰	۴۰،۰۷	بروز حس صمیمیت با فضای پویا و پرتحرک، در قالب برنامهٔ چند کارکردی
۱۲	۴۴،۰۶	توجه به زیبایی حرارتی به‌واسطهٔ تعادل در به‌کارگیری مصالح متنوع سردوگرم
۳۴	۳۴،۰۱	ایجاد مرزبندی‌های نمادین با ایجاد فضای واسط در تفکیک فضایی عملکردها
۳۹	۳۰،۰۵	نفی معماری نمایشی و بروز دانش فنی باتوجه‌به مد روز و معماری نوین
۶۷	۲۰،۷۷	حفظ کیفیت در طول زمان به‌واسطهٔ قابلیت نظافت و نگهداری در عین صرفهٔ اقتصادی
۶۶	۲۰،۹۳	امکان تعاملات فرهنگی و ارتباطی مخاطبان
۸۴	۳۳.۹	استفاده از احجام سه‌بعدی یکسان، یکنواخت و افلاطونی
۸	۴۵،۱۰	دیدگاه کل‌گرا در گسترش عملکرد و بافت در شکل‌بندی سناریوها
۲۸	۱۱.۳۶	زیبایی‌شناسی محیطی با بیان شفاف، بدون حشو و دیدگاه مینیمالیستی
۳۶	۳۲،۴۰	امکان تداعی خاطر نمادین و بازآفرینی ملموس با تناسبات حجمی مانا و نوستالژیک
۵۱	۲۶،۰۵	ظاهر نوین همگام با تکنولوژی در عین رابطه حقیقی با مورفولوژی و مفاهیم سنتی

۱۱	۴۴,۰۷	بروز روح مکان با به کارگیری ذوق و استعداد معمار در بالاترین مرحله خلاقیت و خودشکوفایی
۵۸	۱۱,۲۵	ایجاد فضای اتفاقی با سیالیت فضاها
۹	۴۵,۰۷	توجه به کارکردهای اجتماعی فضاها فعال
۲۷	۳۷,۹۸	نمایان ساختن هویت اشیا و جوهره فرمال با بیان تجریدی و معرفت‌شناسانه
۶۰	۱۱,۲۴	پیچیدگی در عین ایجاز و قابلیت شناسایی و پیش‌بینی
۴۴	۲۹,۱۲	وجود فضای تهی از منظر جنبه محتوایی سنت در طرح
۲۱	۴۰,۰۱	حذف مزاحمت‌های صوتی و عملکردی
۷۸	۱۶,۳۳	طراحی بر اساس محدودیت‌ها، مقتضیات زمان و امکانات بستر اجتماعی
۶۸	۲۰,۰۱	همخوانی با شرایط خاص اقلیمی، و توجه به گونه‌شناسی معماری
۶	۴۶,۱۰	بروز معیارهای عینی بر اساس ادراک و اسکیمای مخاطب
۷۵	۱۷,۵۵	رابطه متقابل ظاهری بین اجزا
۶۴	۲۲,۶۰	ترکیب عناصر غیرهمگن و متنوع با توجه به عوارض و شکل زمین
۸۰	۸۸,۱۳	طراحی تکنولوژیک فرم و شکل به واسطه مصالح نوین
۷۰	۱۹,۷۸	توجه به جزئیات اجرایی و طراحی
۱۷	۴۲,۰۳	هماهنگی دنیای ذهنی معمار با دنیای بیرونی در عین انطباق با افکار زمان
۷۹	۱۵,۷۷	قابلیت انعطاف‌پذیری فضاها در پاسخگویی به تفاوت‌ها
۴۶	۱۱,۲۸	لزوم اعمال سلسله‌مراتب در تکثیرگرایی
۴۵	۲۹,۰۱	ارتباط دوسویه میان وحدت و کثرت
۱۸	۴۱,۵۸	ظهور زیبایی به واسطه ارتباط روح معمار با عالم خیال ظهور و مفاهیم اسطوره‌ای و اساطیری
۳۸	۳۰,۲۳	همگونی و این‌همانی با محیط طبیعی، بستر و نیروهای آزاد در عناصر متفکرانه
۷۷	۱۷,۰۳	ایجاد فضای شورانگیز به واسطه پیوستگی حجم
۶۵	۲۱,۰۹	ایجاد سرزندگی، پویایی و هارمونی منطقی در نظم سطوح فضاها فعال اجتماعی
۴۷	۲۶,۶۶	کاهش ماده و افزایش فضا با ایجاد فضای تهی
۷۴	۷۷,۱۸	ظهور حس شکوهمندی و اقتدار با گسترش لایه‌بندی افقی و عمودی
۴۸	۲۶,۳۱	بروز صراحت در قطعات و بافت برای رسایی گستره تصویر
۲۵	۳۹,۰۱	ایجاد فضای تلطیف شده بانفوذ متعادل نور طبیعی
۲۲	۳۹,۹۸	ایجاد حس صمیمیت بین مخاطبان با ایجاد فضای صریح و سازماندهی هندسی
۸۵	۰,۱۹	فضای شعفانگیز با القای حس سبکی در حجم بنا و شکاف در ورودی
۶۹	۱۹,۹۹	خلق زیبایی‌شناسی کارکردی در فضای نوین از پل ارتباطی میان دستاوردهای مدرنیته و سنت عرفانی
۵۳	۲۶	ظهور تناسبات طلایی و هندسه انتزاعی
۶۳	۲۲,۸۶	بروز زیباشناختی در جهت دگرگونی زمینه فرهنگی و فلسفه
۳۰	۳۵,۷۰	ایجاد تحرک و پویایی به واسطه همخوانی عملکردها در مفهوم‌گرایی فرهنگی

۲	۴۷,۶۶	القای جنبه‌های معنایی فرهنگ در روح فضا از ادراک روان و جهان‌بینی انسان و نمودهای رفتار اجتماعی او
۵۴	۲۵,۹۹	دیدگاه همه‌جانبه‌نگر در تعادل موزون، تداوم و یکپارچگی در بستر برای خوانایی عناصر
۵۲	۲۶,۰۱	همگونی و این‌همانی زیبایی فرم با عملکرد سازه

نتیجه‌گیری

معماری به‌عنوان ابزاری پیشرو در خلق آثار ماندگار قطعاً در گسترش فرهنگ، افزایش آگاهی و پاسخگویی به نیازهای معنوی و والای انسانی نقش حائز اهمیتی داشته است. این درحالیست که معماران با ایجاد روح مکان در معماری برای آثار خود در شکل‌گیری این موج نقش به‌سزایی را ایفا می‌کنند. بدین منظور میزان بالایی از ترویج فرهنگ، آداب و رسوم و هنر هر سرزمینی جز وظایف معمار و معماری می‌باشد. ظرفیت‌های موجود در معماری ایران این فرصت را به خالق آثار معاصر داده است تا با بهره‌گیری از این پشتوانه فرهنگی و هنری به خلق آثار ماندگار بپردازند و از این طریق در معرفی مفاهیم روح مکان در معماری ایران مؤثر باشند. در تبیین معنا و مفهوم معماری و آنچه از این تعبیر در میان جوامع و مکاتب فکری رواج دارد، برای معماری تعاریف متنوعی از عمل و هنری مقدس تا فعالیتی کاملاً مادی و دنیوی بیان شده و این موضوع نه تنها در تعریف که در عمل نیز به منصفه ظهور رسیده است. به همین جهت است که در پدیده‌های عالم هستی، جنبه ساختاری به‌عنوان جنبه مادی قابل شناسایی، ساده و هویداست؛ این جنبه فارغ از دغدغه‌های تعلقات فرهنگی و اجتماعی است اما جنبه ادراکی که پیچیده و غیرآشکار است، به‌عنوان جنبه معنوی، تنیده در مناسبات فرهنگی است و از عوامل اجتماعی و فردی متأثر می‌شود. بدین منظور، فضاهای فرهنگی که حجم بالای تعاملات اجتماعی در آن شکل می‌گیرد؛ نه تنها در شکل‌گیری عمده نگرش‌ها و ادراکات محیطی انسان اثر اصلی را می‌گذارد، بلکه نیازمند آن است که توجه به تمامی وجوه حسی انسان در طراحی آن در نظر گرفته شود تا در سلسله‌مراتبه حس مکان به روح مکان نائل آید.

این مهم در آثار فرهنگی به منصفه ظهور می‌رسد؛ چراکه کاربری فضای فرهنگی از سطح نیازهای ابتدایی و اضطراری و فیزیولوژیک انسان گذر کرده و به‌منظور پاسخگویی به نیازهای والاتری ساخته می‌شود. در فضای فرهنگی نیاز به افزایش رشد فردی، افزایش خلاقیت، و ارتقاء دیدگاه معناگرایانه و هنرمندانه است که در سایه خودشکوفایی ذهنی اتفاق می‌افتد. در این پژوهش با کدگذاری ساختاریافته سه مرحله‌ای و تولید مدل اکتشافی کیفی در حالت انتخابی با سازماندهی عوامل زمینه‌ای، شرایط علی، مداخله‌گرها، پدیده محوری، راهبردها و پیامدها براساس زیرشاخص‌های مدل مفهومی متأثر از زیبایی‌شناسی در روح مکان آثار فرهنگی معماری معاصر ایران، با وزندهی‌ها و اولویت‌بندی‌های صورت گرفته چهار مقوله بیشترین وزن را به خود اختصاص داد که شامل: توجه به حس لامسه و زیبایی حرارتی با ایجاد سیرکولاسیون هوای مطبوع و نور تعدیل‌یافته، القاء جنبه‌های معنایی فرهنگ در روح فضا از ادراک روان و جهان‌بینی انسان و نمودهای رفتار اجتماعی او، حس‌آمیزی بصری حجم در مقابل نور با ورود نور تلطیف شده از نورگیرها به فضا، ایجاد ضرب آهنگ بصری با سیمای موزون در اشکال نمادین است. همچنین ایده پردازی از کیفیات انتزاعی و استعاری با بهره‌گیری از حس خیال و خاطر، تدوین نظام فکری براساس ارتباط دو سویه انسان و فضای فرهنگی با الگوهای ذهنی و تکنولوژیک جدید، امکان تداعی خاطر نمادین و بازآفرینی ملموس با تناسبات حجمی مانا و نوستالژیک، نمایان ساختن هویت اشیاء و جوهره فرمال با بیان تجربیدی و معرفت شناسانه از دیگر موارد قابل اهمیت بود. بدین جهت می‌توان گفت فضاهای متأثر از مقوله‌های یاد شده، در جهت بالابردن مهارت کشف و شهود که بالاترین مرتبه نیازهای انسانی می‌باشد، اثرگذار است تا

در این جهت بتواند خلاقیت و قوه ادراک معنایی را از هنر و فرهنگ افزایش دهد. بدین منظور، جهان بینی مخاطب ارتقاء می یابد و این مهم در سایه درک فضا و مفاهیم ارزش گذاری شده با طمأنینه و آرامش خاطر مطلوب صورت می گیرد. پس وقتی درک مطلوب به واسطه حواس اصلی در زیبایی شناسی محیطی پاسخ داده شود؛ حس ناب تداعی خاطر از عوالم بالاتر احساس در مخاطب ایجاد شود، شهود فعال می شود؛ بدین شکل، این امر باعث تسهیل در فرآیند دسترسی به لایه درونی احساس مخاطب در فضا می شود. پس می توان گفت در مراتب بعدی دستیابی به مرحله شهود معانی از خیال امکان پذیر می شود و منجر به "درک فراحسی" می گردد که می توان نتیجه حاصل از درک داده های محیطی از روح مکان در آن را "معماری کشفی - شهودی" نام نهاد. این مهم می تواند نتیجه نائل آمدن به مرتبه والای گذر از دغدغه های ابتدائی در فضای فرهنگی و کشف محیط و معانی به واسطه درک زیبایی شناسی محیطی باشد و در جهت پاسخگویی به دغدغه مندی معماران معاصر ایران در خلق آثار فرهنگی مؤثر واقع گردد.

منابع

کتابها

اعتصام، ایرج؛ میرمیران، هادی؛ میرمیران، حمید و صائی، فریده. (۱۳۸۹). معماری معاصر ایران ۷۵ سال تجربه بناهای عمومی، تهران: انتشارات شرکت طرح و نشر پیام سیما.

بل، سایمون. (۱۹۹۹). منظر: الگو، ادراک و فرآیند، ترجمه: دکتر بهناز امین‌زاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
شاهچراغی، آزاده و بندرآباد، علیرضا. (۱۳۹۶). محاط در محیط (کاربرد روان‌شناسی محیطی در معماری و شهرسازی)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

مقالات

احمدی ترشیزی، میترا. (۱۳۸۲). «جهانی‌شدن فرهنگ یا فرهنگ جهانی، گزارش گفتگو»، شماره ۸، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.

اخوان، پیمان و جعفری، مصطفی. (۱۳۸۵). «نظریه‌پردازی و آزمایش نظریه‌ها در حوزه مدیریت دانش». فصلنامه مدیریت فردا، شماره ۱۵ و ۱۶.

اعتصام، ایرج. (۱۳۸۸). «نقدی بر معماری معاصر ایران، سخنرانی برگزار شده به مناسبت روز بزرگداشت مقام معمار»، پنجم اردیبهشت‌ماه هشتاد و هشت، خانه هنرمندان ایران، تهران.

اعتصام، ایرج؛ فرم‌پینی فراهانی، رضا و اقبالی، سید رحمان. (۱۳۹۲). «سیر تحولات فرمی در طراحی معماری بناهای فرهنگی در معماری معاصر ایران». هویت شهر، شماره ۱۴.

برلینت، آرنولد. (۱۹۹۸). «زیبایی‌شناسی محیطی». ترجمه: جواد علافچی، مجله زیباشناخت، شماره ۱۶.
حبیب، فرح؛ نادری، سید مجید و فروزان گهر، حمید. (۱۳۸۷). «پرسمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت (کالبد شهر تابع هویت یا هویت تابع کالبد شهر)»، هویت شهر، شماره ۳.

سلیمانی، محمدرضا؛ اعتصام، ایرج و حبیب، فرح. (۱۳۹۵). «بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری». هویت شهر، شماره ۲۵.

شاهرودی کلور، مرضیه؛ ملیحه، تقی‌پور و فائزه، گریست. (۱۳۹۹). «سنجش تطبیقی مؤلفه‌های حس مکان در عناصر کالبدی مساجد سنتی و معاصر شیراز موردپژوهی (مسجد حاجعلی، مسجد مشیرالملک، مسجدالرجا و مسجد دانشگاه)». دوفصلنامه اندیشه معماری، شماره ۸، صص ۴۰-۵۴.

فلاح، م. (۱۳۸۵). «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن». هنرهای زیبا، (۲۶)، ۵۷-۶۶.

لفافچی، مینو؛ دهباشی شریف، مزین و اعتصام، ایرج. (۱۳۹۹). «شناسایی و اولویت‌بندی شاخصه‌های معماری و فرهنگ باتکیه بر کاربرد تکنولوژی در عصر جهانی‌شدن (مورد مطالعه: شهر تهران)». نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۵۹.

مهرابی، امیرحمزه و همکاران. (۱۳۹۰). «معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی (ارائه یک نمونه)».

نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی، سال نهم، شماره بیست و سوم، بهار و تابستان، صص ۷ - ۱۱.

منابع لاتین

- Berleant, A. (۱۹۹۷). *Living in the landscape: Toward an aesthetics of environment*, Kansas: University Press of Kansas.
- Berleant, A. (۲۰۰۰). *The aesthetic field, phenomenology of aesthetic experience, cyberreditions*. New Zealand: Christenson Publishing.
- Bruner, J. S., & Postman, L. (۱۹۴۹). "Perception, cognition and behavior". *Journal of personality*, ۱۸(۱), ۱۴-۳۱.
- Castells, M. (۲۰۰۱). *The rise of Network Society in the information Age: Economy, Society, and Culture*. (M. Chavoshian Trans). Tehran: Tarhe-e-No.
- Creswell, J.W. (۲۰۰۵). *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research*. Upper Saddle River: Merrill.
- Hazreena, H. (۲۰۱۰). "Using the sensory garden as a tool to enhance the educational development and social interaction of children with special needs", *Support for learning*, volume ۲۵, number ۱. Pp ۲۵-۴۱.
- Hershberger R, G. (۱۹۸۸). *A Study of Meaning and Architecture in Environmental Aesthetics: Theory, Research and Application*, Nasar, (Ed).Cambridge University Press.pp.۱۷۵-۱۹۳.
- Koh, J. (۱۹۸۸). *An Ecological Aesthetic*. *Landscape Journal*, ۷(۲): ۱۷۷-۱۹۱.
- Mount, H., & Cavet, J. (۱۹۹۵). "Multi- sensory enviroments: an exploration of their potential for young people with profound and multiple learning difficulties", *British Journal of Special Education*, Volume ۲۲, No ۲.pp ۵۲-۵۵.
- Neisser, U. (۱۹۷۷). *Cognition and Reality*. San Francisco: Freeman.
- Relph, E., (۱۹۷۶). *Place and Placelessness*, London: pion.
- Saoji, G., Bahadure, S. (۲۰۱۲). "Expreincing architecture through senses", *International Conference on Advances in architecture and Civil Engineering (AARCV ۲۰۱۲)* ۲۱st- ۲۳ rd. paper ID AR۷۰AD, Vol ۲.
- Shayegan, D. (۲۰۰۵). *New Enchantment, Forty-part identity and Mobile Thought*. (F.Veliani, Trans). Tehran: Farzan Rooz.